



چرا زبان یاد نمی‌گیریم؟

تحولات و پیشرفت‌های علمی در جهان با چنان سیر شتابانی در جریان هستند که توانایی مبادله اطلاعات و برقراری ارتباط با دیگران به یکی از ویژگی‌های انسان توسعه یافته در عصر حاضر مبدل شده است...

تحولات و پیشرفت‌های علمی در جهان با چنان سیر شتابانی در جریان هستند که توانایی مبادله اطلاعات و برقراری ارتباط با دیگران به یکی از ویژگی‌های انسان توسعه یافته در عصر حاضر مبدل شده است و این در حالی است که یادگیری زبان انگلیسی ضرورتی اجتناب ناپذیر است. زبان انگلیسی به عنوان یک زبان جهانی یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباطی برای استفاده از منابع و مآخذ علمی، پژوهشی و بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفت، از اساسی‌ترین مهارت‌های مورد نیاز برای زندگی در جهان امروز است. گو اینکه باید به سمتی رفت که زبان فارسی به یک زبان علمی در سطح جهانی تبدیل شود اما فعلاً این، زبان انگلیسی است که زبان مفاهیم بین‌المللی است.

به گزارش ایران، متأسفانه هر ساله در کشور میلیاردها ریال بودجه برای آموزش زبان انگلیسی دانشجویان و دانش‌آموزان در نظام‌های رسمی و غیررسمی آموزش هزینه می‌شود، اما همچنان بسیاری از آنان ناامیدانه در پی راهی برای یادگیری و بهره‌گیری از تلاش‌ها و هزینه‌های خود می‌گردند.

زبان‌شناسان و متخصصان زبان‌آموزی معتقدند، در نظام آموزشی کشور ما آن‌گونه که باید به یادگیری این زبان توجه لازم نمی‌شود و این در حالی است که ناکارآمدی نظام آموزشی یک کشور به ناکارآمدی نیروی انسانی و هدر رفتن منابع انسانی منجر می‌شود.

در این باره ایران گفت‌وگویی داشته با دکتر حسن بشیرنژاد دکترای زبان شناسی که مدت بیست سال است درآموزشگاه‌های وابسته به آموزش و پرورش و مؤسسات آموزش عالی کشور در دوره‌های کارشناسی و تحصیلات تکمیلی مشغول به تدریس است.

آقای دکتر بشیرنژاد لطفاً در مورد اهمیت فراگیری زبان انگلیسی توضیحاتی بفرمایید؟

اهمیت فراگیری زبان‌های خارجه و بویژه زبان انگلیسی بر کسی پوشیده نیست. در دنیای امروز و در عصری که رسانه‌های الکترونیکی و دیجیتال تمام مردم دنیا را به هم مرتبط کرده‌اند تسلط به یک زبان ارتباطی مشترک ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به نقش و جایگاه زبان انگلیسی به عنوان یک زبان میانجی در ارتباطات بین‌الملل و با توجه به اینکه در بیش از چهل کشور دنیا به عنوان زبان رسمی (به تنهایی یا در کنار زبان بومی آن کشور) به رسمیت شناخته شده و با در نظر گرفتن این حقیقت که زبان آموزش، تجارت و دیپلماسی در بسیاری از کشورهاست، آشنایی با این زبان از ضروریات حضور موفق در دنیای کنونی است. از طرف دیگر، انگلیسی به عنوان زبان علم لازمه پیشرفت در حوزه‌های علم و فناوری است چرا که بیشترین تولیدات علمی به این زبان صورت می‌پذیرد.

به نظر شما زبان آموزی در کشور با چه مشکلاتی روبه‌رو است و چگونه می‌توان آن را برطرف کرد؟

شاید درست نباشد که بگوییم برنامه آموزش زبان در کشور به طور کلی با مشکل مواجه است اما آنچه مسلم است این است که برنامه زبان آموزی در نظام آموزشی وابسته به آموزش و پرورش موفق عمل نکرده است و گواه آن میزان توانمندی و خروجی این نظام است. اگر بخواهیم مهم‌ترین مسائلی را که موجب ناکارآمدی برنامه آموزش زبان در نظام آموزشی ما شده‌اند نام ببریم باید به آغاز دیرنگام زبان آموزی در مدارس، کافی نبودن زمان اختصاص یافته برای آموزش زبان، مناسب نبودن روش و محتوای آموزشی و سازگار نبودن آن با اهداف آموزشی تعریف شده، نبود انگیزه کافی در بین یادگیرندگان، توجه نکردن همزمان به مهارت‌های چهارگانه زبانی و برخی ضعف‌ها و ناتوانی‌های معلمان اشاره کرد.

آموزش زبان در کشورهای پیشرفته بر اساس چه متدها و الگوهایی انجام می‌شود؟

در کشورهای پیشرفته متدها و الگوهای آموزشی تا حدود زیادی تابع اهداف آموزشی است ولی به نظر می‌رسد امروزه روش‌ها و مواد آموزشی مورد استفاده در کشورهای دنیا عمدتاً همان‌هایی هستند که در کشور ما هم بویژه در بخش‌های خصوصی و آموزشگاه‌های زبان انگلیسی به کار گرفته می‌شوند. آنچه بین نظام رسمی آموزش زبان در آموزش و پرورش ما و سایر کشورها

تفاوت ایجاد می‌کند علاوه بر روش‌ها و محتوای آموزشی، سن شروع آموزش و زمان اختصاص یافته به این امر است و همین مسائل موجب شده است که با وجود صرف زمان و هزینه‌های فراوان برای آموزش زبان انگلیسی در مدارس ما، فارغ‌التحصیلان عملاً از مهارت ابتدایی در برقراری ارتباط به زبان انگلیسی برخوردار نباشند. در حالی که در بسیاری از کشورهای جهان اهمیت زبان انگلیسی به حدی است که دانش‌آموزان در سنین قبل از 15 سالگی به این زبان تسلط پیدا کرده و آن را مانند زبان مادری صحبت می‌کنند.

بر اساس بررسی‌ای که به مدت شش سال از 2007 تا 2012 میلادی در 60 کشور غیر انگلیسی زبان و روی 5 میلیون نفر صورت گرفت کشورهای سوئد، نروژ، هلند، استونی، دانمارک، اتریش و فنلاند حائز بالاترین رتبه‌ها در آموزش این زبان شده‌اند در حالی که کشور ما در جایگاه چهل و یکم بعد از ترکیه و امارات متحده عربی قرار گرفت.

در مورد نامناسب بودن محتوای کتاب‌های درسی هم توضیحاتی بفرمایید.

به طور کلی کتاب‌های درسی مقطع متوسطه با ناکارآمدی‌هایی روبه‌روست و هرچند بسیار دیر اما در مجموعه جدیدی که با عنوان prospect برای پایه هفتم و هشتم تهیه شده است تا حد زیادی این ناکارآمدی‌ها پوشش داده شده است. یکی از مشکلات کتاب‌های زبان انگلیسی متوسطه تمرکز آنها تنها روی مهارت خواندن و درک مفاهیم است که این رشد تک بعدی مهارت هم در عمل محقق نمی‌شود. متون درک مطلب از جذابیت و تازگی برخوردار نیستند و موضوعاتشان امروزی و در حوزه علایق نسل جوان امروزی نیستند. حدود دو دهه است که هیچ بازنگری و اصلاحی در این مجموعه انجام نشده است. تأکید بیش از حد بر آموزش گرامر آن هم به شیوه استقرایی این مجموعه را برای زبان آموزان خسته‌کننده ساخته است. ضمناً بسیاری از واژه‌هایی که در این مجموعه ارائه می‌شوند واژه‌های عمومی و رایجی نیستند که در ارتباط روزمره از کاربرد بالایی برخوردار باشند.

به نظر شما معلمان زبان تا چه حد در فراگیری زبان نقش دارند؟ در مورد ضعف معلمان زبان توضیحاتی بفرمایید.

معلم یکی از ارکان سه گانه مثلث برنامه آموزشی (یاد دهنده یادگیرنده مواد آموزشی) است. توانایی‌ها و مهارت‌های معلم از دو جنبه قابل بررسی است. نخست میزان توانمندی معلم در برقراری یک رابطه عاطفی و روانی مثبت با زبان آموزان به گونه‌ای که هم شخصیت وی و هم موضوع درسی‌اش مورد پذیرش و توجه زبان آموز واقع شود. در کنار آن مهارت‌های حرفه‌ای و تخصصی معلم حائز اهمیت است که خود دارای دو جنبه است؛ یکی مهارت‌های معلم در انتقال مفاهیم به شیوه‌ای درست، واضح و تأثیرگذار و دیگری دانش تخصصی او در مهارت‌های عمومی چهارگانه و مهارت‌های تخصصی اعم از روش‌ها و فنون تدریس، شیوه‌های صحیح سنجش و اندازه‌گیری و دانش زبان شناسی. در تمامی مواردی که گفته شد طبیعتاً ضعف‌هایی در معلمان ما وجود دارد. این ضعف‌ها در موارد نادری به این دلیل است که برخی معلمان فارغ‌التحصیل رشته زبان انگلیسی نیستند و در سطحی فراگیرتر به ضعف‌های نظام آموزش معلمان بر می‌گردد.

آیا به نظر شما ساعات اختصاص یافته به آموزش زبان کافی است؟ ساعات استاندارد یادگیری زبان چقدر است؟

قطعاً نه. زمان اختصاص یافته حتی برای اینکه شما برای رفع تکلیف هم کتاب درسی را به پایان برسانید کافی نیست تا چه رسد به آموزش درست زبان انگلیسی. این کمبود زمان در پایه‌های اول، دوم و سوم متوسطه بیشتر از پایه چهارم (پیش دانشگاهی سابق) مشهود است. در پایه اول هفته‌ای سه ساعت و در پایه‌های دوم و سوم هفته‌ای دو ساعت برای آموزش زبان اختصاص داده شده است که ساعت مفید مورد استفاده با در نظر گرفتن برنامه درسی مدارس و احتساب تعطیلات رسمی و غیر رسمی عملاً به کمتر از یک ساعت می‌رسد. واقع بینانه ببینیم این زمان باید تا دو یا سه برابر زمان فعلی افزایش یابد.

در چه سنی باید به آموزش زبان پرداخت و رعایت نکردن مراحل یادگیری چقدر می‌تواند در یادگیری تأثیر بگذارد؟

از دیدگاه روانشناسی و عصب شناسی زبان گفته می‌شود که بهترین سن برای یادگیری زبان دوم زیر سیزده سال است. این دوره سنی را دوره حیاتی critical period نامگذاری کرده‌اند و اعتقاد بر این است که در این مدت نیمکره‌های مغز بیشترین انعطاف‌پذیری را برای فراگیری زبان دوم دارند. متأسفانه ما دقیقاً در پایان این دوره برنامه آموزش زبان را آغاز می‌کنیم. این آغاز دیر هنگام با رعایت نکردن مراحل طبیعی زبان آموزی نیز همراه است. به عقیده من فراگیری زبان دوم تا جای ممکن باید به فراگیری زبان اول یا همان زبان آموزی کودک شبیه باشد. باید مهارت‌های دریافتی در اولویت باشند. گوش دادن قبل از صحبت کردن و خواندن قبل از نوشتن. اینکه ما از مهارت خواندن و صحبت کردن آغاز کنیم یعنی مراحل طبیعی یادگیری را لحاظ نکرده ایم. البته در مجموعه جدیدی که برای پایه هفتم و هشتم در سیستم جدید تهیه شده تا حد بسیار زیادی این ضعف‌ها پوشش

داده شده است و امیدوارم که ادامه این مجموعه نیز موفق و کارآمدتر از قبل ظاهر شود.